

اثر سیاستهای پولی و مالی دولت بر متغیرهای عمده بخش کشاورزی در دوره ۱۳۵۰-۱۳۷۰ بررسی کلی

محمد حسن فطرس

(استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

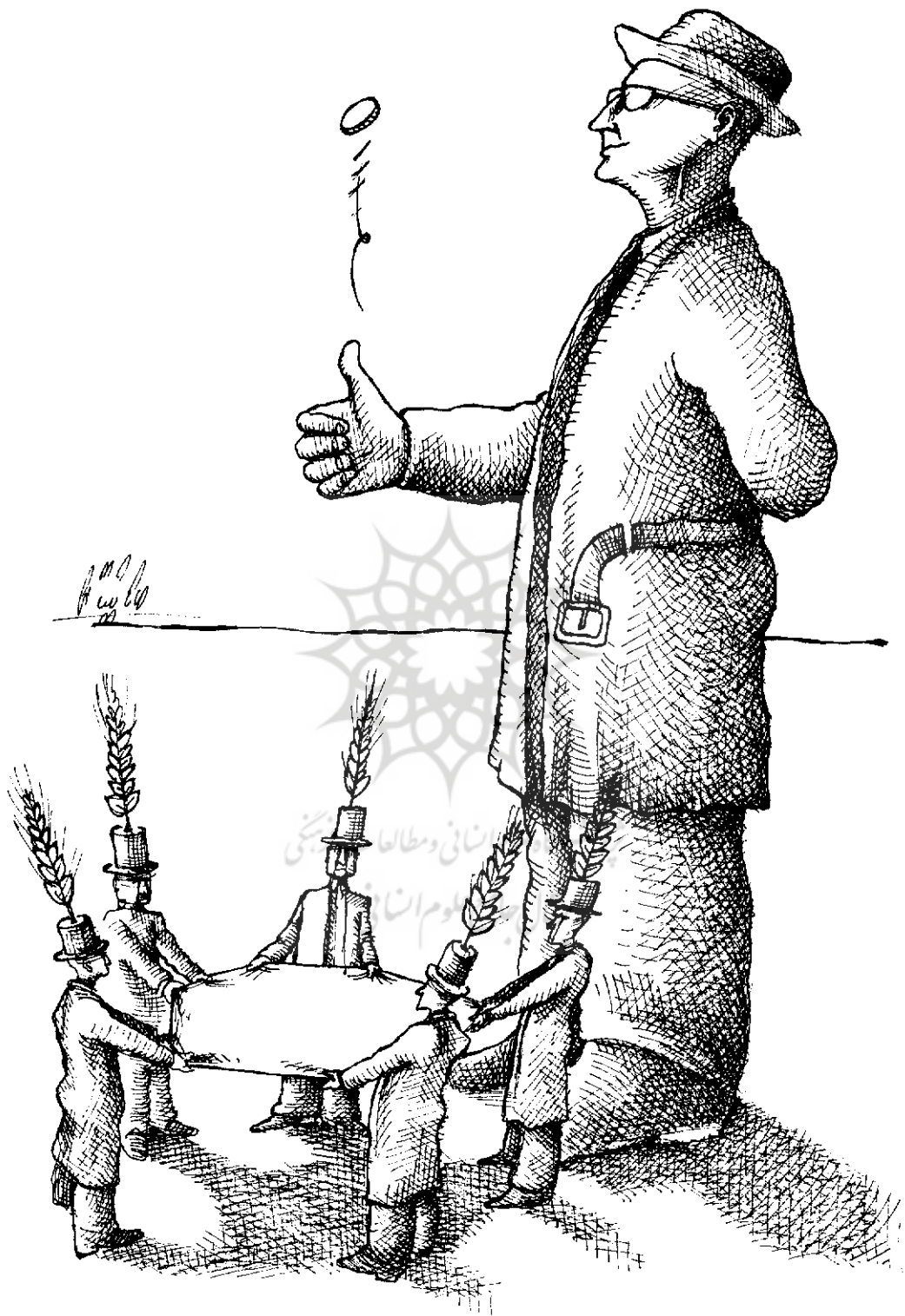
بخش کشاورزی در اقتصاد ایران، هم به لحاظ تاریخی و هم از جنبه‌های عینی و عملگرایانه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اوضاع و احوال اقتصاد در حال گذار کشور و مسایل مبتلا به اقتصادی این مرحله، بسیاری بر این باورند که مسایلی مانند ایجاد فرصتهای شغلی گسترده برای نیروی کار فزاینده کشور، تأمین مواد غذایی جمعیت رشد یابنده، تولید برخی مواد اولیه و نهاده‌ها برای صنایع و مشارکت فعال در توسعه

صادرات غیرنفتی به طور عمده از طریق این بخش حل و فصل خواهد شد.

در این چارچوب است که قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲) بخش کشاورزی را در مجموعه بخشهای برنامه پنجساله «استراتژیک و حیاتی» (ص ۴-۱) توصیف کرده است. همچنین، قانون برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) «رشد و توسعه پایدار اقتصادی کشور را با محوریت بخش کشاورزی» قلمداد کرده و «تنظیم حرکت و برنامه بخشهای مختلف اقتصادی اعم از آب، صنعت، انرژی، حمل و نقل، بازرگانی و بانکها [را] در جهت تقویت بخش کشاورزی» (ص ۲۲) از خط مشیهای اساسی این برنامه اعلام کرده است.

می دانیم که دخالت دولت در بخش کشاورزی پس از «اصلاحات ارضی» مستقیمتر شد. همچنین، پس از انقلاب اسلامی دخالت مستقیم یا ارشادی دولت در بخش کشاورزی با جهتگیری اساسی سیاستها برای دستیابی به خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک مانند گندم برای تأمین غذای مردم و توسعه صادرات غیرنفتی و رهایی از اقتصاد تک محصولی فزونی گرفت. بنابراین، انتظار می رود که دولت با ابزارهایی که در اختیار دارد و از طریق سیاستهای مالی، پولی و در آمدی خود از دیدگاه ساختاری و از نظر توسعه نهادی - یعنی مجهز کردن نهادهای موجود و یا ایجاد نهادهای جدید موردنیاز - در تحول این بخش عمده ترین نقش را به طور مستقیم یا غیرمستقیم به عهده داشته باشد.

تحلیل و بررسی همه آنچه گفته شد از گنجایش یک نوشته فراتر است. مقاله حاضر، با اتکا به داده های آماری و با استفاده از تکنیکهای اقتصاد سنجی، در سطحی کلان، به بررسی آثار سیاستهای پولی و مالی دولت بر روی متغیرهای عمده بخش کشاورزی در دوره تقریبی ۱۳۵۰-۱۳۷۰ می پردازد. بدین منظور، نخست به معرفی و تعریف مفاهیم و متغیرهای مورد استفاده می پردازیم، سپس به ارائه الگوی اقتصادسنجی و تحلیل شاخصی متغیرها مبادرت می ورزیم. در ادامه، برآورد و تفسیر متغیرها صورت می گیرد. پایان بخش مقاله ارائه یافته های این بررسی خواهد بود.



۲. تعریف مفاهیم و تحلیل شاخصی متغیرهای مورد استفاده

سیاستهای مالی و پولی دولت زیرمجموعه سیاست اقتصادی است. «منظور از سیاست اقتصادی مجموعه دخالتها و تدابیر عاملان اقتصادی بویژه دولت برای تحقق هدفهای اقتصادی معین و با استفاده از حربه‌ها و ابزارهای تحت کنترل خود و با در نظر گرفتن امکانات، محدودیتها و اجبارهای موجود است» (منتظر ظهور، ص ۱).

سیاستهای مالی دولت از طریق برنامه‌های عمرانی و بودجه‌های سالانه با ابزار هزینه‌های جاری و عمرانی از یکسو و درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی دولت از دیگر سو تبیین و اعمال می‌شود. سیاستهای پولی نیز با هدف اثرگذاری بر اقتصاد، از طریق متغیرهای پولی و ارزی اعمال می‌شود. در این مقاله، از مخارج و هزینه‌های دولت (E) به عنوان متغیر جانشین (پاراکسی) برای تبیین سیاست مالی و از حجم نقدینگی (M2) برای تبیین سیاست پولی و اثر آنها بر روی متغیرهای عمده بخش کشاورزی استفاده می‌کنیم. متغیرهای عمده بخش کشاورزی و مدل معادله‌های ضمنی رگرسیونی که رابطه علی بین متغیرهای وابسته و متغیرهای مستقل را ترسیم می‌کند عبارت است از:

الف) ارزش افزوده (VA). ارزش افزوده بخش کشاورزی مقدار تولید سالانه بخش را به قیمت عوامل اندازه‌گیری می‌کند و عبارت است از بهای محصول در مبداء تولید (سرخ‌رمن) منهای هزینه‌های مواد اولیه و واسطه‌ای. ارزش افزوده را تابع حجم نقدینگی (M2)، مخارج دولت (E) و ارزش افزوده سال ما قبل در نظر می‌گیریم:

$$VA_t = f(M2, E, VA)_{t-1}$$

براساس فرایند عمومی الگوسازی، در این مرحله لازم است تحلیل شاخصی انجام گیرد. تحلیل شاخصی را با استفاده از نمودارها و شکلها انجام می‌دهیم. نمودار شماره (۱) روند تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی را در دوره زمانی ۱۳۴۵-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که ارزش افزوده بخش دارای روند افزایشی است. اما طی دوره ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ میزان افزایش بسیار کند است. در سال ۱۳۵۵ با رشد منفی ارزش افزوده روبه روایم

که علت آن می‌تواند خروج نیروی کار از بخش کشاورزی و مهاجرت شدید به مناطق شهری باشد. در سال ۱۳۶۶ نیز با چنین رشد منفی در ارزش افزوده رو به رویم که دلیل آن بروز خشکسالی در این سال است. تسریع در میزان رشد ارزش افزوده از ۱۳۶۸ به بعد مصادف با آغاز برنامه دوم عمرانی ج.ا.ا. گردیده است.

نمودار شماره (۲) رابطه ارزش افزوده بخش کشاورزی و حجم نقدینگی اقتصاد را در دوره ۱۳۵۲-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. رابطه مثبت این کمیت مشاهده می‌شود. حجم نقدینگی تقریباً بدون نوسان طی دوره صعودی است، در حالی که نوسانهایی در روند صعودی ارزش افزوده به طور عمده به دلیل طبیعت تولید کشاورزی) ملاحظه می‌شود.

نمودار شماره (۳) روند تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی و مخارج دولت را در دوره ۱۳۵۲-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. رابطه این دو متغیر در مجموع مثبت است. هر چند نوسان در مخارج دولت (سیاست مالی) خیلی شدیدتر از نوسان در ارزش افزوده است. افزایش شدید مخارج دولت در آغاز دوره (۱۳۵۲) به دلیل افزایش درآمدهای نفتی در اثر افزایش قیمت جهانی نفت است. این پدیده را اندکی ملایمتر در آغاز دهه ۱۳۶۰ نیز تصدیق می‌کنیم.

شکل شماره (۱) به طور مشخص رابطه تبعی ارزش افزوده بخش کشاورزی و حجم نقدینگی اقتصاد را نمایان می‌سازد. ملاحظه می‌شود که حجم نقدینگی هر سال با نرخ کاهنده بر روی ارزش افزوده بخش کشاورزی اثر می‌گذارد. بنابراین سیاست پولی انبساطی دولت (از طریق افزایش حجم نقدینگی) طی زمان دارای اثری با نرخ کم و کمتر بر روی تولید کشاورزی و به طور کلی بر روی تولیدات غیرنفتی کشور می‌گذارد (ن.ک.ب. نیلی). به نظر می‌رسد که علت چنین پدیده‌ای را باید در ماهیت و چگونگی بسط حجم نقدینگی که به طور اساسی به دلیل افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی صورت گرفته است، جستجو کرد.

شکل شماره (۲) رابطه تبعی ارزش افزوده بخش کشاورزی و مخارج دولت را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که مخارج دولت یعنی سیاست مالی، در گذشته تأثیر اندکی بر ارزش افزوده بخش بر جای می‌گذاشته است. در حالی که در دوره معاصر این تأثیر بسیار

افزایش یافته است. از سوی دیگر تصدیق می‌کنیم که تأثیر سیاست مالی بر ارزش افزوده بخش با نرخ فزاینده صورت می‌گیرد. بنابراین سیاستهای مالی دولت بر تولید کشاورزی بسیار مؤثر است.

ب) سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاری ناخالص بخش کشاورزی عبارت از مجموع مخارجی است که برای جبران استهلاک سرمایه و افزایش موجودی طی یک دوره (یک سال) انجام می‌گیرد. سرمایه‌گذاری بخش را تابع سیاست مالی (E) و سیاست پولی (M2) و مقدار سرمایه‌گذاری دوره قبل فرض می‌کنیم:

$$I_{A(t)} = f(E, M2, I_{A(t-1)})$$

نمودار شماره (۴) روند تغییرات سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی را طی دوره ۱۳۵۲-۱۳۶۹ را نشان می‌دهد. همان طور که ملاحظه می‌شود طی دوره مذکور، روند سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی کاهشی است. افزایش در میزان سرمایه‌گذاری در سالهای ۱۳۵۳، ۱۳۶۱، ۱۳۶۸ به دلیل افزایش در منابع ارزی کشور است. داده‌های آماری سرمایه‌گذاری که در این نمودار وارد نشده است حاکی از آن است که روند سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی در دوره ۱۳۴۵-۱۳۵۴ دارای روندی افزایشی بوده است (ن.ک.ب. نادر مهرگان، ۱۳۷۱).

نمودار شماره (۵) رابطه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و مخارج دولت (سیاست مالی) را در طی دوره ۱۳۵۲-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که علی‌رغم اینکه مخارج دولت طی دوره افزایشی است اما روند سرمایه‌گذاری کاهشی است. به عبارت دیگر، بزرگ شدن حجم دولت در اقتصاد بر روی سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی تأثیری مثبت نداشته است (ن.ک. ب. مجتهد - اصفهانی).

نمودار شماره (۶) رابطه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی و حجم نقدینگی را طی دوره ۱۳۵۲-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که روند افزایشی حجم نقدینگی نتوانسته است روند کلی کاهشی سرمایه‌گذاری را در دوره مذکور تغییر دهد. به عبارت دیگر سیاست

پولی انبساطی اثر منفی بر روی سرمایه‌گذاری داشته است.

شکل (۳) رابطه تبعی سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی و مخارج دولتی را نشان می‌دهد. این رابطه نزولی و با نرخ فزاینده است. بدین معنی که روند کاهش در سرمایه‌گذاری در طی دوره شدیدتر از روند افزایش مخارج دولت (سیاست مالی) است.

شکل (۴) رابطه تبعی حجم نقدینگی و سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی را نشان می‌دهد: این رابطه ابتدا نزولی و سپس دارای نرخ کاهنده است. ملاحظه می‌شود که با افزایش حجم نقدینگی (که همراه با روند تبدیل اقتصاد کالایی به اقتصاد پولی است) سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی با نرخ کاهنده کاهش یافته است. باید خاطر نشان کرد که افزایش نقدینگی موجب تأثیرگذاری مثبت در سایر بخشها بوده است (ن.ک.ب. مسعود نیلی) اما در بخش کشاورزی تأثیر آن منفی بوده است.

پ) صادرات. آن بخش از محصولات کشاورزی که مورد تقاضا و خرید دنیای خارج واقع شود صادرات بخش کشاورزی است. صادرات را تابع حجم نقدینگی، مخارج دولت و صادرات دوره قبل فرض می‌کنیم:

$$XA_{(t)} = f(M_2, E, XA_{(t-1)})$$

نمودار شماره (۷) روند تغییرات صادرات کشاورزی را در دوره ۱۳۴۵-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. طی دوره صادرات روندی صعودی داشته است. ملاحظه می‌شود که از اواسط دهه ۱۳۶۰ میزان رشد صادرات تسریع شده است. در این دوره است که مسئولان اقتصادی کشور بیشترین مساعی خود را برای رونق دادن به صادرات غیرنفتی به کار می‌برند. که بخش کشاورزی بیشترین ظرفیت را در این زمینه از خود بروز داده است.

نمودار (۸) روند تغییرات صادرات کشاورزی و حجم نقدینگی را طی دوره ۱۳۵۲-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. با افزایش نقدینگی به دلیل بروز تورم قیمت واقعی کالاهای صادراتی برای خارجیان کاهش می‌یابد. بنابراین صادرات کشور رونق می‌یابد.

نمودار شماره (۹) روند تغییرات صادرات کشاورزی و مخارج دولت را طی دوره

۱۳۵۲-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که این دو رابطه مستقیمی با یکدیگر دارد. نمودار شماره (۱۰) روند تغییرات صادرات کشاورزی و ارزش افزوده بخش کشاورزی را طی دوره ۱۳۵۲-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. واضح است که این دو رابطه مستقیمی با یکدیگر دارد: هر چه تولیدات کشاورزی افزایش بیشتری داشته باشد، صادرات این بخش نیز از رونق بیشتری برخوردار خواهد بود.

شکل (۵) رابطه تبعی صادرات بخش کشاورزی حجم نقدینگی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که رابطه بین آنها مثبت و با نرخ فزاینده است. سیاستهای اتخاذ شده در زمینه نرخ ارز به این رابطه تبعی شدت بخشیده، حرکت در جهت واقعی شدن نرخ ارز موجب رونق صادرات بخش گردیده است.

شکل (۶) رابطه تبعی صادرات کشاورزی و مخارج دولتی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که بین این دو رابطه معنیداری وجود ندارد.

شکل (۷) رابطه تبعی بین صادرات کشاورزی و ارزش افزوده کشاورزی را نشان می‌دهد. هر چند رابطه مثبت است اما نمی‌توان در مورد رابطه تبعی و شکل واضح و صریح مدل قضاوت مستحکمی انجام داد.

۳. برآورد الگو

در بخش پیش با معرفی معادله‌هایی توابع ضمنی الگوی اقتصادسنجی ارائه شد و با استفاده از شکل و نمودار تحلیل شاخصی نیز انجام گرفت. در این بخش با استفاده از داده‌های آماری و در چارچوب الگوی مذکور اقدام به برآورد توابع و ارزیابی آنها می‌کنیم. نخست، باید خاطر نشان کرد که با توجه به آماره‌های R^2a (ضریب تعیین تعدیل شده)، F ، $D.W.$ حاصل از برآورد توابع مذکور، می‌توان گفت که از نظر تکنیکهای اقتصادسنجی مدل مورد استفاده در کلیت خود از اعتبار کافی برخوردار است. حال می‌توان هر تابع را جداگانه بررسی و ارزیابی کرد.

الف - معادله تابع ارزش افزوده کشاورزی به صورت زیر برآورد شده است:

$$VA_t = 83/8 + 0.24E_t + 0.058M2_t + 0.9VA_{t-1} - 169D5667$$

$$(t) \quad (2/0.3) \quad (3/27) \quad (1/96) \quad (17/5) \quad (-5/44)$$

$$R^2a = 0.99 \quad D.W. = 2/11 \quad F = 1921 \quad N = 27 \quad (1344-1370)$$

ملاحظه می شود مخارج دولت یعنی سیاست مالی با ضریب ۰.۲۴ و حجم نقدینگی (M2) یعنی سیاست پولی با ضریب ۰/۰۵۸ بر روی ارزش افزوده بخش کشاورزی اثر می گذارد. پس نتیجه می گیریم که تأثیر سیاست مالی بر روی ارزش افزوده بخش خیلی بیشتر از سیاست پولی است. به بیان دیگر، سیاست مالی انبساطی در مقایسه با سیاست پولی انبساطی بر رشد تولید کشاورزی بسیار مؤثرتر است. می دانیم که ساختار کشاورزی به گونه ای است که پول جذب روستا نمی شود و از سوی دیگر درآمدهای پولی روستاییان نیز دوباره به محض خرج شدن به طور عمده وارد چرخه اقتصادی شهر می شود. بنابراین افزایش در M2 به طور عمده آثار خود را در سایر بخشها که ریشه در شهر دارد باقی می گذارد. به عبارت دیگر ضریب فزاینده پولی روستا در مقایسه با شهر بسیار کوچکتر است (ن. ک. ب. فطرس) از سوی دیگر، مخارج دولت در رابطه با کشاورزی دارای آثار با دوامتری بر اقتصاد روستا دارد: ساختن جاده، پل، تأسیسات آبیاری و امثال آن. زمینه افزایش قدرت تولید و افزایش درآمدها را در دوره های متوالی فراهم می کند. بنابراین سیاست مالی به مراتب بر تولید کشاورزی مؤثرتر است. در معادله برآورد شده ضریب ارزش افزوده دوره پیش از $VA_{(t-1)}$ برابر با ۰/۹ به دست آمده است که نشان می دهد در معادله تفاضلی همگرایی یکنوا داریم. این موضوع مبین ثبات رشد بخش کشاورزی است. و چون ۰/۹ به ۱ نزدیک است دلالت بر آن دارد که ارزش افزوده کشاورزی به مرور به سوی مقدار تعادلی میل می کند. پس ارزش افزوده کشاورزی متغیر باثباتی است. D5667 نشاندهنده متغیر مجازی برای سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۶۷ است. می دانیم در این دو سال خشکسالی پیش آمده که باعث کاهش ارزش افزوده بخش کشاورزی شده است.

ب) برآورد تابع صادرات کشاورزی در دوره ۱۳۴۵-۱۳۷۰ به صورت زیر است:

$$XA_t = 103/5 + 0/002E_t + 0/018M2_t + 0/65XA_{t-1} + 667D70$$

$$(t) \quad (1/13) \quad (-0/17) \quad (2/33) \quad (3/97) \quad (3/89)$$

$$R^2a = 0/91 \quad D.W. = 1/8 \quad F = 68/98 \quad N = 27 \quad (1345-1371)$$

ملاحظه می شود که رابطه مخارج دولت یعنی سیاست مالی و صادرات بخش کشاورزی را ضریب ۰/۰۰۲- تبیین می کند که حاکی از آن است که سیاست مالی دولت تأثیر معینداری بر صادرات بخش کشاورزی ندارد. در عوض، سیاست پولی با ضریب ۰/۰۱۸ تأثیر چشمگیری بر صادرات بخش دارد. ضریب صادرات یک دوره قبل (XA_{t-1}) ۰/۶۵+ است که این به معنای آن است که صادرات کشاورزی دارای ثبات است و همچنین به طور یکنواهمگراست. ضریب متغیر مجازی بیانگر اثر افزایش شدید قیمت ارز بر روی صادرات در سال ۱۳۷۰ است. با توجه به معیندار بودن تأثیر مخارج دولت بر صادرات بخش، معادله را دوباره بدون در نظر گرفتن سیاست مالی برآورد کردیم:

$$XA_t = 90/4 + 0/017M2_t + 0/65XA_{t-1} + 670D70$$

$$(t) \quad (1/8) \quad (2/5) \quad (4/1) \quad (4/0)$$

$$R^2a = 0/92 \quad D.W. = 1/8 \quad F = 96/0 \quad N = 27 \quad (1345-1371)$$

در معادله جدید تنها سیاست پولی منظور شده است. رابطه بین متغیرها و سطح معینداری معادله - با اندک تفاوتی در آماره های F و R^2a - شبیه معادله اولیه است. ب) معادله سرمایه گذاری بخش کشاورزی به شکل زیر برآورد شده است:

$$IA_t = 169/3 - 0/01734E_t - 0/0075M2_t + 48/6D54629 + 0/681IA_{t-1} - 25/4D57$$

$$(t) \quad (4/13) \quad (-3/68) \quad (-1/10) \quad (7/36) \quad (5/97) \quad (-2/41)$$

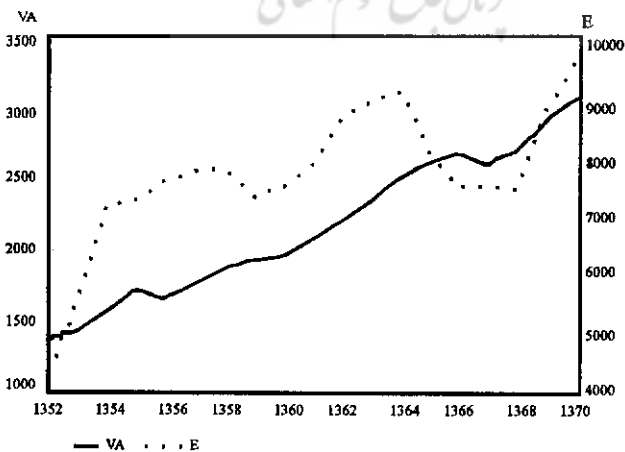
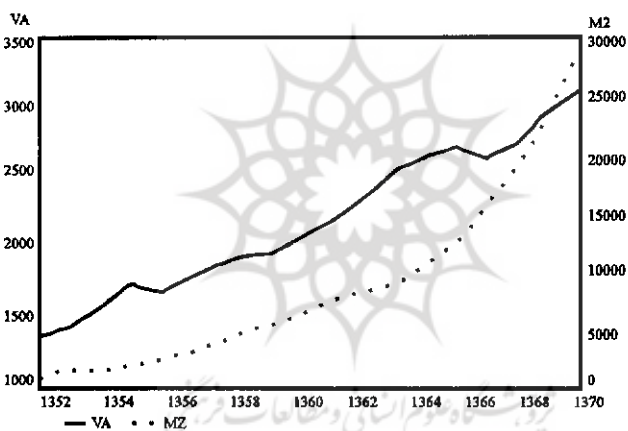
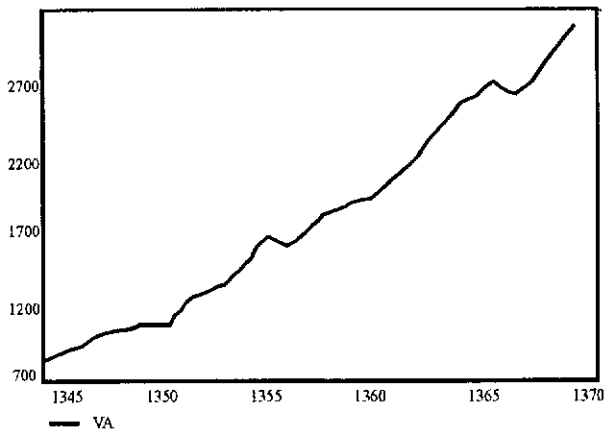
$$R^2a = 1/93 \quad D.W. = 2/12 \quad F = 39 \quad N = 16 \quad (1354-1369)$$

ملاحظه می شود ضرایب مخارج دولت و حجم نقدینگی هر دو منفی است. یعنی رابطه بین سرمایه گذاری بخش کشاورزی و سیاست پولی و سیاست مالی معکوس است. اما رابطه

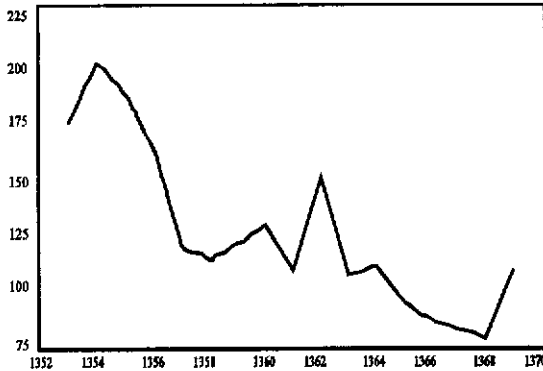
منفی حجم نقدینگی و سرمایه‌گذاری معیندار است و سطح معینداری آن در معادله (بدون متغیرهای مجازی D) برابر با $0/994 = 0/006 - 0/1$ می‌باشد. در حالی که سطح معینداری مخارج دولت و سرمایه‌گذاری برابر با $0/447 = 0/553 - 0/1$ است. متغیر مجازی D54629 برای مجزا کردن و تعدیل افزایش درآمد ارزی دولت در سالهای ۱۳۵۴، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۹ به کار گرفته شده است. متغیر مجازی D57 برای مجزا کردن اثر انقلاب ۱۳۵۷ بر روی سرمایه‌گذاری بخش به کار رفته است. معادله حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری بخش به صورت باثباتی تابع سرمایه‌گذاری دوره پیشین بخش است. (IA₁₋₁).

۴. نتیجه‌گیری

در این نوشته آثار سیاستهای مالی و پولی دولت بر روی متغیرهای عمده بخش کشاورزی یعنی ارزش افزوده، سرمایه‌گذاری و صادرات بخش در طی دوره بیست ساله ۱۳۵۰-۱۳۷۰ از جنبه‌ای کلی و کلان و در چارچوب داده‌های موجود بررسی شد. یافته‌های این بررسی عبارت است از: الف) سیاست مالی دولت بر روی تولید کشاورزی با نرخ مثبت داشته است. ب) سیاست پولی با نرخ کاهنده بر روی تولید کشاورزی اثری مثبت داشته است. یعنی طی زمان سیاست پولی آثار کم و کمتری بر تولید بخش کشاورزی بر جای گذاشته است. پ) سیاستهای مالی و پولی دولت بر سرمایه‌گذاری کشاورزی اثر مثبتی نداشته است. مخارج دولت با نرخ فزاینده بر سرمایه‌گذاری بخش اثر منفی باقی گذاشته در حالی که اثر منفی حجم نقدینگی بر سرمایه‌گذاری بخش با نرخ کاهنده بوده است. ت) سیاست مالی دولت اثر معینداری بر صادرات بخش کشاورزی بر جای نگذاشته است. اما سیاست پولی دولت بویژه سیاست ارزی سالهای اخیر (کاهش شدید ارزش ریال نسبت به پولهای خارجی) اثر مثبت بسیار چشمگیری در افزایش صادرات بخش کشاورزی بر جای گذاشته است. تجزیه و تحلیل آثار مزبور و علل ساختاری - اقتصادی و بخش و کشور مستلزم نوشته و مجال دیگری است.

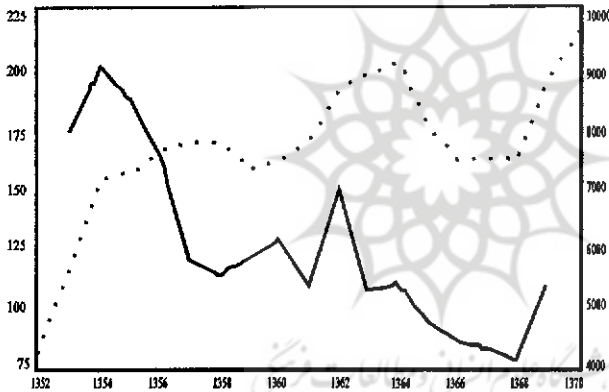


اثر سیاستهای پولی و مالی



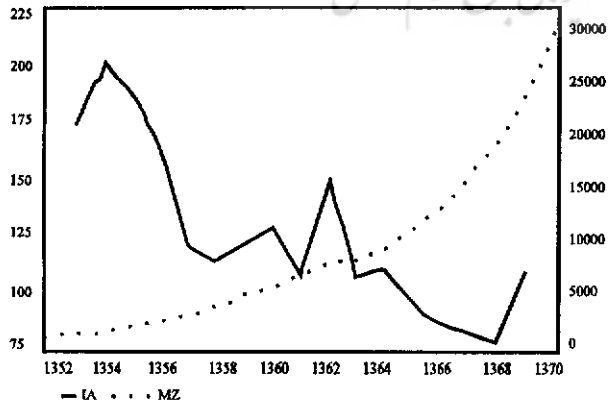
— IA

نمودار (۴) - روند تغییرات سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی طی دوره ۱۳۶۹-۱۳۵۲



— IA ... E

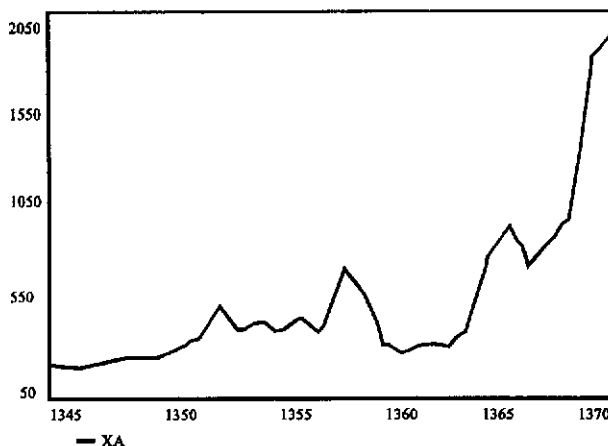
نمودار (۵) - رابطه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی و مخارج دولت طی دوره ۱۳۷۰ - ۱۳۵۲



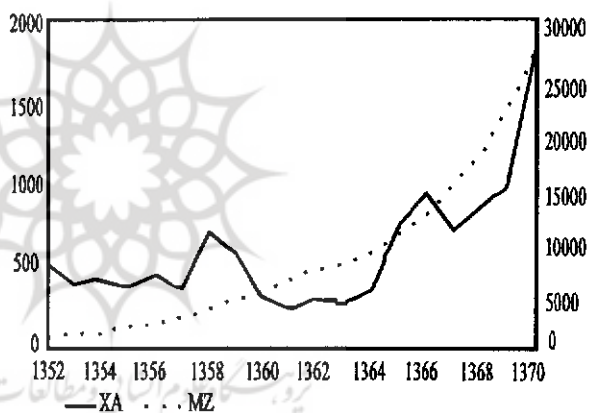
— IA ... MZ

نمودار (۶) - رابطه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی و حجم نقدینگی طی دوره ۱۳۷۰ - ۱۳۵۲

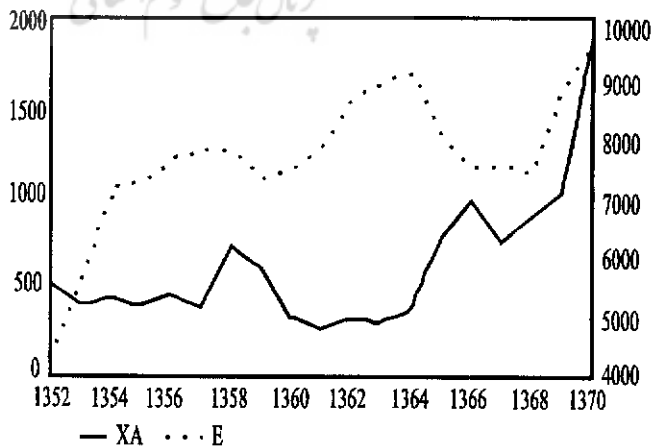
نمودار (۷) - روند تغییرات صادرات بخش کشاورزی دوره ۱۳۷۰ - ۱۳۴۵



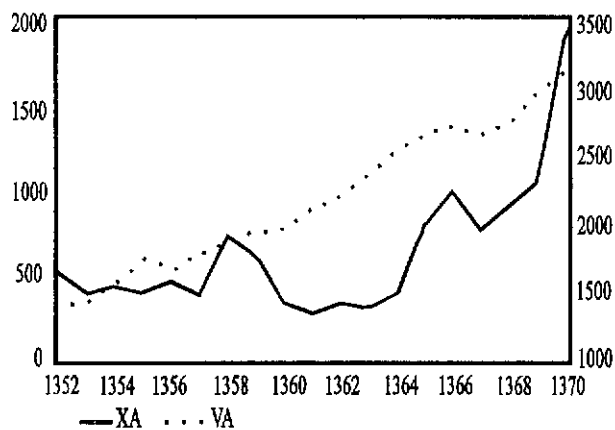
نمودار (۸) - روند تغییرات صادرات کشاورزی و حجم نقدینگی، دوره ۱۳۷۰ - ۱۳۵۲



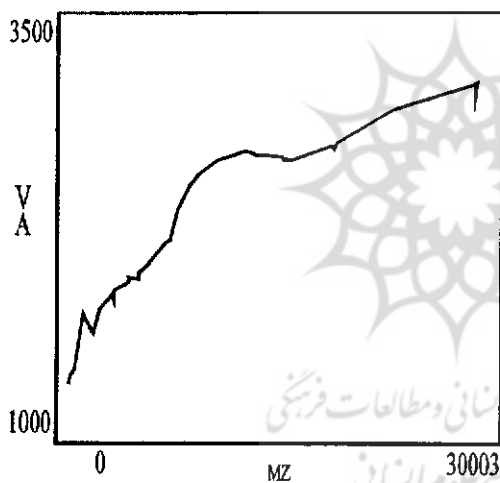
نمودار ۹ - روند تغییرات صادرات کشاورزی و مخارج دولتی، دوره ۱۳۷۰ - ۱۳۵۲



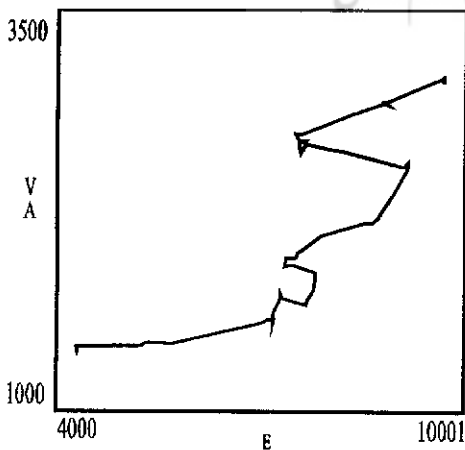
اثر سیاستهای پولی و مالی



نمودار (۱۰) - روند تغییرات صادرات کشاورزی و ارزش افزوده کشاورزی دوره ۱۳۷۰-۱۳۵۲

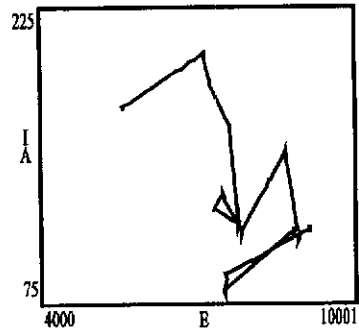


شکل (۱) - رابطه تبیی ارزش افزوده بخش کشاورزی و حجم نقدینگی

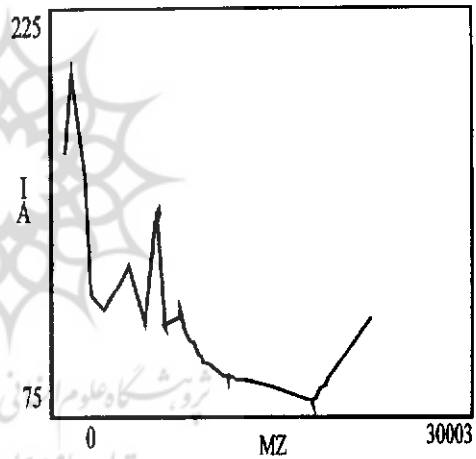


شکل (۲) - رابطه تبیی ارزش افزوده بخش کشاورزی و مخارج دولت

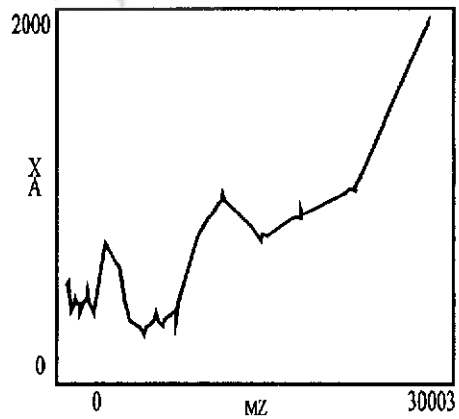
شکل (۳) - رابطه تبیی
سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی و
مخارج دولت



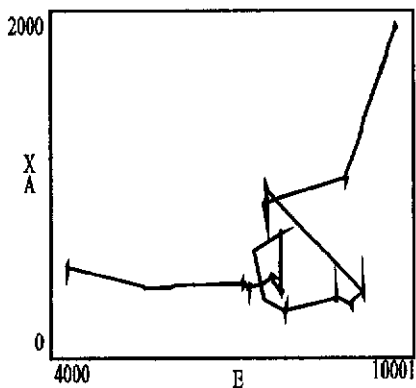
شکل (۴) - رابطه تبیی نقدینگی و
سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی



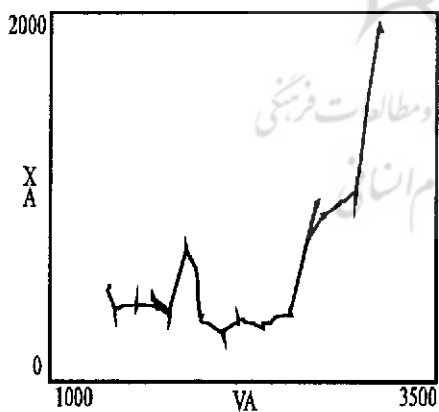
شکل (۵) - رابطه تبیی بین
صادرات بخش کشاورزی و حجم
نقدینگی آب



اثر سیاستهای پولی و مالی



شکل (۶) - رابطه بین صادرات
کشاورزی و مخارج دولتی



شکل (۷) - رابطه تبیی صادرات و
ارزش افزوده کشاورزی

جدول ۱ - ارزش افزوده سرمایه‌گذاری، صادرات، واردات

بخش کشاورزی و مخارج دولت، دوره ۱۳۵۲ - ۱۳۷۰ (میلیارد ریال)

سال	ارزش افزوده	سرمایه‌گذاری	صادرات	حجم نقدینگی	مخارج دولت
۱۳۵۲	۱۳۴۳.۷۰۰	-	۵۰۵.۱۰۰۰	۵۱۵.۸۰۰۰	۴۱۹۶.۵۰۰
۱۳۵۳	۱۳۹۳.۵۰۰	۱۷۴.۵۰۰۰	۳۸۵.۶۰۰۰	۸۱۰.۱۰۰۰	۵۵۴۹.۳۰۰
۱۳۵۴	۱۵۲۹.۹۰۰	۲۰۱.۶۰۰۰	۴۱۳.۷۰۰۰	۱۱۴۵.۵۰۰	۷۱۳۲.۶۰۰
۱۳۵۵	۱۷۰۶.۲۰۰	۱۸۷.۸۰۰۰	۳۷۷.۱۰۰۰	۱۵۹۳.۵۰۰	۷۲۴۹.۰۰۰
۱۳۵۶	۱۶۴۰.۴۰۰	۱۶۴.۷۰۰۰	۴۴۳.۰۰۰۰	۲۰۹۷.۰۰۰	۷۶۲۹.۷۰۰
۱۳۵۷	۱۷۴۷.۲۰۰	۱۱۹.۳۰۰۰	۳۶۸.۹۰۰۰	۲۵۷۸.۶۰۰	۷۷۷۷.۴۰۰
۱۳۵۸	۱۸۵۱.۲۰۰	۱۱۴.۰۰۰۰	۷۲۴.۸۰۰۰	۳۵۵۰.۰۰۰	۷۷۹۲.۴۰۰
۱۳۵۹	۱۹۱۴.۹۰۰	۱۲۰.۹۰۰	۶۰۱.۷۰۰۰	۴۵۰۸.۱۰۰	۷۳۲۸.۵۰۰
۱۳۶۰	۱۹۵۲.۷۰۰	۱۲۸.۴۰۰۰	۳۲۱.۳۰۰۰	۵۲۳۶.۱۰۰	۷۴۸۱.۲۰۰
۱۳۶۱	۲۰۹۱.۴۰۰	۱۰۸.۹۰۰۰	۲۵۵.۳۰۰۰	۶۴۳۰.۷۰۰	۷۸۵۳.۴۰۰
۱۳۶۲	۲۱۹۳.۰۰۰	۱۵۰.۵۰۰۰	۳۱۸.۱۰۰۰	۷۵۱۴.۴۰۰	۸۷۳۳.۸۰۰
۱۳۶۳	۲۳۵۳.۷۰۰	۱۰۶.۶۰۰۰	۲۹۵.۰۰۰۰	۷۹۶۶.۹۰۰	۸۹۸۱.۱۰۰
۱۳۶۴	۲۵۳۷.۶۰۰	۱۱۰.۷۰۰۰	۳۷۱.۰۰۰۰	۹۰۰۲.۱۰۰	۹۱۸۸.۷۰۰
۱۳۶۵	۲۶۵۰.۵۰۰	۹۴.۰۰۰۰	۷۸.۰۰۰۰	۱۰۷۲۲.۷۰	۸۰۵۱.۳۰۰
۱۳۶۶	۲۷۱۵.۸۰۰	۸۶.۹۰۰۰	۹۹۰.۷۰۰	۱۲۶۶۸.۱۰	۷۵۴۴.۱۰۰
۱۳۶۷	۲۶۴۸.۰۰۰	۸۳.۴۰۰۰	۷۷۰.۳۰۰	۱۵۶۷۸.۶۰	۷۵۶۷.۹۰۰
۱۳۶۸	۲۷۴۶.۰۰۰	۷۸.۴۰۰۰	۸۹۴.۴۰۰	۱۸۷۵۳.۳۰	۷۵۱۶.۵۰۰
۱۳۶۹	۲۹۶۷.۵۰۰	۱۰۸.۹۰۰	۱۰۳۸.۴۰۰	۲۲۹۶۹.۵۰	۸۹۰۰.۱۰۰
۱۳۷۰	۳۱۲۰.۰۰۰	-	۱۹۳۷.۴۰۰	۲۸۶۲۸.۴۰	۹۷۳۱.۵۰۰

۱. سازمان برنامه و بودجه، پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)،
۲. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸) چاپ سوم، ۱۳۷۴.
۳. سازمان برنامه و بودجه، مجموعه اطلاعاتی (سری زمانی آمار حسابهای پولی و مالی)، ۱۳۷۳.
۴. فطرس، محمد حسن، «اثر هزینه‌های دولت بر شکاف درآمدی روستا - شهری»، در اقتصاد کشاورزی و توسعه سال سوم شماره ۱۱، ۱۳۷۴
۵. منتظر ظهور، محمود، مقدمه‌ای بر مبانی سیاست اقتصادی چاپ دوم، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹
۶. مهرگان، نادر «تحولات سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی» اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۶۱-۶۲، ۱۳۷۱
۷. نیلی، مسعود «بررسی آثار افزایش حجم پول بر نظام اقتصادی کشور در دو دهه اخیر» برنامه و توسعه دوره اول شماره سوم.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی